



اصول فقّه ۴ (حلقه ثالثه)

درس ۲۳

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: مصطفی ده باشی

مقدمه

تاکنون با هویت استصحاب و اصل بودن یا اماره بودن آن و هم چنین ارکان چهارگانه استصحاب‌بشنا شدیم. در این درس مطالب مربوط به رکن اول - که یقین به حدوث است - و سؤالات و شبهات مرتبط با آن مطرح و پاسخ داده می‌شود. در اینکه یقین به حالت سابقه، رکن است یا صرف ثبوت حالت سابقه در عالم واقع، دو قول وجود دارد که هر کدام طرفدارانی دارد. مشهور که معتقد به قول اولند دچار شبهه‌ای شده‌اند که اگر یقین به حالت سابقه وجود نداشت ولی اماره معتبر موجود بود، آیا استصحاب جاری می‌شود یا خیر؟ به این شبهه جواب‌هایی داده شده که در این درس آنچه محقق نائینی به عنوان حل مشکل مطرح نموده است، تبیین می‌گردد و شهید صدر آن را رد می‌کند.

به منظور فهم بیشتر مطالب این درس، مراجعه شود به «فوائد الاصول» محقق نائینی و نیز «حلقه ثالثه» شهید صدر، بحث «ادلّه محرز».

متن درس

أ. اليقين بالحدوث

ذهب المشهور إلى أن اليقين بالحدوث ركن مقوم للاستصحاب، و معنى ذلك أن مجرد ثبوت الحالة السابقة في الواقع لا يكفي لفعالية الحكم الاستصحابي لها، وإنّما يجرى الاستصحاب إذا كانت الحالة السابقة متيقّنة، و ذلك لأنّ اليقين قد أخذ في موضوع الاستصحاب في السنة الروايات، و ظاهر أخذه كونه مأخوذاً على نحو الموضوعيّة لا الطريقيّة إلى صرف ثبوت الحالة السابقة.

نعم، في رواية عبدالله بن سنان (المتقدّمة) علّل الحكم الاستصحابي بنفس الحالة السابقة في قوله: «لأنّك أعرتة إيّاه و هو ظاهر» لا باليقين بها، و هو ظاهر في ركنيّة المتيقّنه لا اليقين، و تصلح أن تكون قرينة على حمل اليقين في سائر الروايات على الطريقيّة إذا تمّ الاستدلال بالرواية المذكورة على الكبرى الكلية.

و قد نشأت مشكلة من افتراض ركنيّة اليقين بالحدوث، و هي أنّه إذا كان ركناً فكيف يمكن اجراء الاستصحاب فيما هو ثابت بالأمانة إذا دلّت الأمانة على حدوثه و شككنا في بقاءه مع أنّه لا يقين بالحدوث؟ كما إذا دلّت الأمانة على نجاسة ثوب و شكّ في تطهيره، أو على نجاسة الماء المتغيّر في الجملة و شكّ في بقاء النجاسة بعد زوال التغيّر. و قد أفيّد في جواب هذه المشكلة عدّة وجوه:

الوجه الأول: ما ذكرته مدرسة المحقّق النائيني من أن الأمانة تعتبر علماً بحكم لسان دليل حجّيتها، لأنّ دليل الحجّة مفاده جعل الطريقيّ و الغاء احتمال الخلاف تعبّداً، و بهذا تقوم مقام القطع الموضوعي لحكومة دليل حجّيتها على الدليل المتكفّل لجعل الحكم على القطع، و معنى الحكومة هنا أن دليل الحجّة يحقّق فرداً تعبّدياً من موضوع الدليل الآخر، و من مصاديق ذلك قيام الأمانة مقام اليقين المأخوذ في موضوع الاستصحاب و حكومة دليل حجّيتها على دليله. و قد تقدّم - في مستهلّ البحث عن الأدلّة المحرزة من هذه الحلقة - المنع عن وفاء دليل حجّة الأمانة بإثبات قيامها مقام القطع الموضوعي و عدم صلاحيّة للحاكمية، لأنّها فرع النظر إلى الدليل المحكوم و هو غير ثابت فلاحظ.

ارکان استصحاب

رکن نخست: یقین به حدوث

مراد از حدوث، حالت سابقه است؛ بنابراین رکن نخست استصحاب، یقین به حالت سابقه است، چون اگر به لفظ و معنای حدوث توجه کنیم استصحاب امور عدمی نباید جاری شود، در حالی که استصحاب عدمیات، بالاتفاق جایز است.

سؤال: آیا یقین به حالت سابقه رکن استصحاب است یا خود حالت سابقه؟ در صورتی که گزینه اول، رکن باشد یقین مکلف به حالت سابقه در جاری شدن استصحاب، موضوعیت دارد و در صورت دوم، ثبوت حالت سابقه در واقع کفایت می‌کند و یقین، صرفاً طریق به حالت سابقه محسوب می‌شود.

پاسخ: مشهور معتقدند که یقین به حدوث، رکن استصحاب است و با صرف ثبوت حالت سابقه در عالم واقع، حکم استصحابی به فعلیت نمی‌رسد؛ چون در اکثر ادلّه استصحاب، لفظ «یقین» آمده که به معنای موضوعیت داشتن مفاد این لفظ در حکم دلیل است. بنابراین یقین به حدوث، رکن می‌باشد. قول دیگری وجود دارد که صرف ثبوت حالت سابقه را برای جریان استصحاب کافی می‌داند، به شرط این که مکلف طریقی به حالت سابقه داشته باشد، خواه این طریق، تام باشد، مثل یقین، و خواه ناقص و تعجّلی، مثل أماره.

متن عربی و نکات تطبیقی

أ. یقین بالحدوث. ذهب المشهور إلى أن یقین بالحدوث رکن مقوم لّلاسّتصحاب، و معنی ذلک (۱) انّ مجردّ ثبوت الحالة السابقة فی الواقع لا یکفی لفعليّة (۲) الحكم الاستصحابی لها (۳)، و إنّما یجرى الاستصحاب إذا كانت الحالة السابقة متیقّنة، و ذلک لانّ یقین قد أخذ فی موضوع الاستصحاب فی السنة الروایات، و ظاهر أخذه (۴) [فی موضوع الاستصحاب] کونه مأخوذاً علی نحو الموضوعيّة لا الطریقيّة إلى صرف ثبوت الحالة السابقة.

۱. مشارالیه: ایرکه یقین به حدوث، رکن استصحاب است.

۲. یعنی: جریان استصحاب.

۳. مرجع ضمیر: حالت سابقه.

۴. مرجع ضمیر: یقین.

Sc01: ۰۷:۱۴

رکن نخست استصحاب: یقین به حدوث (ادامه مباحث)

گفته شد که مشهور، یقین به حدوث را رکن استصحاب محسوب می‌کنند نه ثبوت حالت سابقه در عالم واقع.

قرینت روایت عبدالله بن سنان نسبت به سایر روایات استصحاب

ادلّای که در آن‌ها واژه یقین اخذ شده دلالت بر موضوعیت یقین به حالت سابقه می‌کنند اما در روایت عبدالله بن سنان، امام (ع) در تعلیل حکم به عدم وجوب غسل ثوب، اشاره به طهارت که حالت سابقه است می‌کنند نه یقین

به طهارت. می‌فرماید: «لأنَّك أعرته إياه و هو طاهر» نه این که: «لأنَّك أعرته إياه متيقناً بطهارته». بنابراین می‌توان این روایت را قرینه منفصله بر سایر روایات قرارداد و یقین اخذ شده در آن‌ها را حمل بر طریقت نمود. دلیل قرینه بودن روایت عبدالله بن سنان برای روایات دی گر این است که در روایاتی که واژه یقین آمده است احتمال حمل یقین بر موضوعیت و طریقت وجود دارد اگر چه ظهور در موضوعیت دارد اما در روایت عبدالله بن سنان که اصلاً سخنی از یقین به میان نیامده است امکان ندارد که یقین موضوعیت داشته باشد. بنابراین ظهور روایت عبدالله بن سنان در نفی رکن بودن یقین، اقوی از ظهور سایر روایات در رکن بودن یقین است.

متن عربی و نکات تطبیقی

نعم فی رواية عبدالله بن سنان المتقدم (۱) علل الحكم الاستصحابی (۲) بنفس (۳) الحالة السابقة فی قوله (۴): «لأنَّك أعرته إياه و هو طاهر» لا بالیقین بها، و هو (۵) ظاهر فی ركنية المتیقن لا الیقین، و تصلح (۶) أن تكون قرينة علی حمل الیقین فی سائر الروایات علی الطریقة إذا تم الاستدلال بالرواية المذكورة علی الكبرى الکلیة (۷).

۱. وسائل الشیعه، ابواب النجاسات، باب ۷۴، ح ۱.

۲. عدم وجوب شستن پیراهن عاریت داده شده.

۳. جارو مجرور، متعلق به علل.

۴. جار و مجرور، متعلق به علل.

۵. مرجع ضمیر: تعلیل امام.

۶. فاعل: روایت عبدالله بن سنان.

۷. یعنی: در صورتی که بتوان استصحاب مورد اشاره امام را یک استصحاب کلی دانست که در سایر ابواب غیر از نجاست و طهارت هم کاربرد داشته باشد.

Sco2: ۱۴:۰۱

رکن نخست استصحاب: یقین به حدوث (ادامه مباحث)

از نظر مشهور، یقین به حدوث رکن استصحاب است که این دیدگاه با اشکال مواجه است.

اشکال به مبنای مشهور در رکن نخست

مشهور که قائل به رکن بودن یقین به حدوث (حالت سابقه) هستند با این اشکال مواجه می‌شوند که در صورت عدم یقین به حدوث و وجود اماره معتبر بر حالت سابقه آیا جریان استصحاب ممکن است یا خیر؟ مثلاً به جای یقین به نجاست لباس در روز گذشته، اماره‌ای وجود دارد که روز گذشته لباس نجس بوده است آیا با نجاست ثابت شده با اماره می‌توان استصحاب نجاست در امروز کرد؟

متن عربی و نکات تطبیقی

و قد نشأت مشكلة من افتراض ركنية الیقین بالحدوث، و هی انه إذا كان (۱) رکناً فکیف یمکن اجراء الاستصحاب فیما (۲) هو ثابت بالأماره إذا دلَّت الأماره علی حدوثه (۳) و شککنا فی بقاءه (۴) مع انه لا یقین بالحدوث؟ کما إذا دلَّت

الأماره على نجاسة ثوب و شك في تطهيره، (۵) أو على نجاسة الماء المتغير (۶) في الجملة (۷) و شك في بقاء النجاسة بعد زوال التغير.

۱. اسم كان: يقين به حدوث.

۲. یعنی: حالت سابقه.

۳ و ۴. مرجع ضمير: مستصحب.

۵. مثال برای شبهه موضوعی.

۶. مثال برای شبهه حکمی.

۷. قيد نجاست به معنی این که طبق اماره، آب متغیر به نجاست، نجس است اما دلالتی بر بقاء یا زوال نجاست بعد از زوال تغیر ندارد.

Scor: ۱۹:۲۷

اشکال به مبنای مشهور در رکن نخست استصحاب (ادامه مباحث)

نظر مشهور درباره رکن بودنِ یقین به حدوث با این اشکال مواجه شد که در صورت عدم وجود یقین و وجود اماره آیا می توان استصحاب را جاری کرد؟

پاسخ به اشکال جایگزینی اماره نسبت به یقین توسط محقق نائینی

محقق نائینی بر مبنای مسلک جعل طریقیّت می گویند: مفاد دلیل حجّیت اماره این است که اماره، ظنّ نمی باشد بلکه تعبدا علم محسوب می شود؛ یعنی وقتی که دلیل حجّیت اماره قائم شد، شارع مقدس، اماره را علم می داند. بنابراین اماره می تواند جایگزین علم شود. در بحث ما دلیل حجّیت اماره، حکومت بر استصحاب دارد؛ یعنی اینکه دلیل حجّیت اماره ناظر و مفسّر دلیل استصحاب است و با تفسیر خود، دایره موضوع آن را توسعه می دهد. موضوع استصحاب، یقین به حدوث است وقتی که اماره بر طبق دلیل حجّیت خود، تعبداً علم شد، موضوع استصحاب، موارد قیام اماره را هم شامل می شود.

متن عربی و نکات تطبیقی

و قد أفيد في جواب هذه المشكلة عدّة وجوه: الوجه الأول: ما ذكرته مدرسة (۱) المحقق النائيني (۲) من أنّ الأماره تعتبر علماً بحكم لسان دليل حجّيتها، لأنّ دليل الحجّية مفاده جعل الطريقيّة و (۳) الغاء احتمال الخلاف تعبداً، و بهذا (۴) تقوم مقام القطع الموضوعي (۵) لحكومة (۶) دليل حجّيتها على الدليل المتكفل لجعل الحكم على القطع [بالحالة السابقة]، و معنى الحكومة هنا (۷) أنّ دليل الحجّية يحقّق فرداً تعبدياً من موضوع (۸) الدليل الآخر، و من مصاديق ذلك (۹) قیام الأماره مقام اليقين المأخوذ في موضوع الاستصحاب (۱۰) و حكومة دليل حجّيتها على دليله (۱۱).

۱. یعنی: محقّق نائینی تنها نیست بلکه دیگران نیز به آراء او معتقد هستند.

۲. ر.ک: فوائد الاصول، ج ۴، ص ۴۰۳.

۳. واو تفسیری.

۴. مشارالیه: اماره را علم به شمار آوردن.
۵. یعنی: یقین که موضوع استصحاب است.
۶. جار و مجرور، متعلق به تقوم.
۷. یعنی: در بحث حجّیت اماره.
۸. یعنی: یقین که موضوع استصحاب است.
۹. مشارالیه: حکومت.
۱۰. واو تفسیر.
۱۱. مرجع ضمیر: استصحاب.

Sc04: ۲۶:۰۰

پاسخ به اشکال جایگزینی اماره نسبت به یقین توسط محقّق نائینی (ادامه مباحث)

مشهور قائل به رکن بودن یقین به حد و ث هستند و با این اشکال مواجه می شوند که اگر یقین وجود نداشته باشد امّا اماره معتبر موجود باشد آیا می توان استصحاب را جاری نمود؟ محقّق نائینی در پاسخ به این سؤال فرمود: دلیل حجّیت اماره آن را تعبداً علم محسوب می کند و تحت دلیل استصحاب قرار می دهد و در نتیجه در این حالت نیز استصحاب جاری است.

جواب شهید صدر به محقّق نائینی

شهید صدر در جواب می فرمایند که ما در ابتدای ادلّه محرز در همین حلقه ثالثه گفتیم که ادلّه حجّیت اماره نمی توانند اماره را به جای قطع موضوعی قرار دهند. چون ادلّه حجّیت اماره سیره عقلاست و اگر سیره متشرعه را هم اضافه کنیم این سیره ها توان جایگزینی اماره به جای قطع موضوعی را ندارند یعنی نمی توان ادلّه حجّیت اماره را حاکم بر ادلّه احکامی که در موضوع آن ها قطع اخذ شده، قرار داد. زیرا حکومت، فرع بر نگاه تفسیری حاکم به محکوم است و سیره عقلا نمی تواند مفسّر ادلّه ای باشد که در موضوع آن ها قطع اخذ شده است. عدم تفسیر سیره نسبت به آن ادلّه به خاطر این است که در سیره عقلا و متشرعه، قطع به صورت موضوعی اخذ نمی شود و اخذ قطع به صورت موضوعی در سیره آنان وجود ندارد.

متن عربی و نکات تطبیقی

و قد تقدّم - فی مستهلّ (۱) البحث عن الأدلّة المحرزة من هذه الحلقة - المنع عن وفاء دليل حجّة الأمانة بإثبات قیامها مقام القطع الموضوعی و عدم صلاحیّته (۲) للحاکمیّ، لأنّها (۳) فرع النظر إلى الدلیل المحکوم و هو (۴) غیر ثابت فلاحظ (۵).

۱. یعنی: طلیعه و آغاز.

۲. مرجع ضمیر: دلیل حجّیت اماره.

۳. مرجع ضمیر: حاکمیت.

۴. مرجع ضمیر: نظر.

۵. یعنی: به بحث ادلّه محرزّه رجوع شود.

Sco۵:۳۰:۱۴

چکیده

۱. مراد از حدوث در رکن نخست استصحاب، حالت سابقه است.
۲. مشهور معتقد به رکن بودن یقین به حدوث هستند و در مقابل، عدّه ای دیگر صرف ثبوت حالت سابقه در عالم واقع را برای جریان استصحاب کافی می‌دانند.
۳. مبنای مشهور در رکن بودن یقین به حدوث با این اشکال مواجه است که در صورت عدم علم و یقین به حالت سابقه و وجود اماره معتبر آیا می‌توان حالت سابقه را استصحاب کرد یا خیر؟
۴. محقّق نائینی در مقام پاسخ به پرسش فوق می‌گوید: با توجه به مفاد دلیل حجّیّت اماره، آن را تعبداً علم محسوب می‌کنیم و لذا می‌تواند جایگزین علم و یقین شود.
۵. شهید صدر در ردّ کلام محقّق نائینی می‌گوید: سیره عقلا و متشرعه که ادلّه حجّیّت اماره هستند نمی‌توانند اماره را جایگزین قطع موضوعی کنند چون در موضوع این سیره‌ها، قطع موضوعی اخذ نشده است.